تنبیه اوّل: فرض رؤیت هلال قبل الزوال و عدم رؤیت آن در شب سی و یکم

(34:55)

تنبیه اول مربوط به بحث قبلی است. مرحوم علامه فرمودند: در رؤیت قبل از زوال تفصیل میدهیم بین اینکه اول ماه باشد یا اینکه آخر ماه باشد. در آخر ماه کاشف از سی ام شوال نیست و باید روزه بگیری. اما اگر اول ماه باشد سی ام شعبان نیست و باید روزه بگیری.

> **و ينبغي التنبيه لأمور: الأوّل: لو رئي الهلال في أوّل الشهر قبل الزوال و لم ير هلال شوّال ليلة إحدى و ثلاثين وجب صومه مع الصحو و التطلّع؛ لانكشاف الخطإ و إلّا لم يجب، كما لو ثبت بشهادة عدلين. و قال العلّامة في المختلف: يجب صومه مطلقا؛ لأنّ الاحتياط للصوم متعيّن فلا يجوز الإقدام على الإفطار، بناء على مثل هذه الرواية المفيدة للظنّ المعارضة بمثلها. و فيه نظر.**[1]

این تنبیه اول، دنباله مختلف علامه است. یعنی آن عبارتی که از علامه در مختلف خواندیم. علامه میفرمایند «اذا عرفت هذا فاذا...». فوری بعد از آن فرمودهاند.

«لو رئي الهلال في أوّل الشهر قبل الزوال و لم ير هلال شوّال ليلة إحدى و ثلاثين»؛ همراه علامه بحر العلوم شدیم و قبل از زوال، هلال را دیدیم، گفتیم روز اول ماه است. حالا سی روز روزه گرفتیم، شب عید فطر، عید فطر است و سی روز تمام شده، هوا هم صاف است و هیچ مشکلی هم نیست. هرچه دقت کردیم ماه دیده نشد که نشد. حالا ماه سی و یک روز میشود؟ **«وجب صومه»؛** باید سی و یکمی را روزه بگیری. ماه که سی و یک روز نمیشود. میگویند: بله ماه سی و یک روز نمیشود. میفهمیم که روز اول را بی خودی گرفته. **«وجب صومه»؛** البته با شرطی، **«مع الصحو و التطلّع»؛** سه فرض دارد. هوا صاف است و ما دنبالش نمیرویم. سید میفرمایند: اگر هوا صاف بود و دنبالش نرفتی و به رؤیت قبل از زوال در اول ماه روزه گرفتی خوب است. فردا را میتوانی روزه را نگیری. اگر هوا صاف نبود و ابری بود، باز روزه نگیری. چون اول ماه قبل از زوال ندیدهای و سی روز هم روزه گرفتهای. تنها در یک صورت است که در اول ماه قبل از زوال ندیدی و غروب سی ام هم هوا صاف است و هم به دنبالش میروی و استهلال میکنند و نمیبینند. اینجا میفرمایند: باید سی و یکم را روزه بگیری. **«مع الصحو و التطلع»؛** هوا صاف است و به دنبالش میروی و استهلال میکنی اما نمیبینند. اینجا صوم روز سی و یکم واجب است.

«لانكشاف الخطإ»؛ فهمیدی که اشتباه کردهای. **«و إلّا»؛** اگر هوا صاف نبود و ابری بود. ای اینکه صاف بود ولی شما استهلال نکردید، مکاشفه نشده و طبق همان امره ای که داری و برای شما حجت بوده عمل میکنید. **«لم يجب».**

«كما لو ثبت بشهادة عدلين»؛ اول ماه دو عدل آمدند و گفتند ما ماه را دیدهایم. روز سی ام شد و شب سی و یکم رفتید دیدید ماه نیست. میگویند اگر هوا صاف است و تطلع میکنید، معلوم میشود که آن عادل ها اشتباه کرده بودند. انکشاف خطای آنها میشود وباید روزه بگیرید. اما اگر دو شاهد شهادت دادند و شب سی و یکم هم هوا ابری بود کافی است. شما حجت داشتید. دو شاهد عادل بود. ای هوا صاف بود و شما دنبالش نرفتید، این هم کافی است. اول ماه حجت داشتید و به دنبالش نرفتید. دیگر واجب نیست. این فرمایش سید است.

«و قال العلّامة في المختلف»؛ همینجا بهدنبال تفصیلشان فرمودهاند: **«يجب صومه مطلقاً»**؛ میگویند اگر شب سی و یکم هلال مطلقاً دیده نشد؛ مطلقاً، عبارت سید است. در مختلف نیست. در مختلف فرمودهاند: «ان لم یر هلال شوال لیلة احدی و ثلاثین وجب صومه ان کان هذا الفرض ممکنا»؛ از این بحث میکنیم. «او حصلت علة»؛ ای هوا ابر بود ای چنین فرضی ممکن شد. یعنی آیا ممکن هست یا نیست؟

«لأنّ الاحتياط للصوم متعيّن فلا يجوز الإقدام على الإفطار، بناء على مثل هذه الرواية المفيدة للظنّ المعارضة بمثلها. و فيه نظر»؛ در مبنای ایشان چرا میفرمایند: «فیه نظر»؟ وجوه و محتملاتی هست. ان شاءالله تأمل کنید.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۶

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 14:08:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 14:11:13 توسط ... .